

منافع ایران در مناقشه اخیر قفقاز

سرویس گرجستان/خبرگزاری آران
سالار سیف الدینی-روزنامه نگار در تبریز
تبریز نیوز

منافع ایران در مناقشه اخیر قفقاز

خبرگزاری آران / سرویس گرجستان : این پرسش که منافع ملت ایران در مناقشه اخیر قفقاز کدام گزینه را ترجیح می دهد همان پرسشی است ذهن بسیاری از ما را به خود مشغول کرد...

دخالت ناگهانی و نامتعارف روسیه در مناقشه اخیر قفقاز که البته به اعتباری مسئله امنیتی و داخلی گرجستان به شمار می رود شگفتی همگان را برانگیخت. با روی کار آمدن ساکاشویلی در گرجستان و برکنار ادوارد شوادنادزه (که خود را بهترین دوست و متحد آمریکا در منطقه می نامید) از مسند ریاست جمهوری، در چند سال گذشته بیش از پیش به زیان منافع روسیه در منطقه قفقاز شمالی تمام شد. در واقع آمریکا ترجیح می داد با پشتیبانی از ساکاشویلی جوان و بیشتر غربگرا ابتکار عمل و قدرت مانور بیشتری در منطقه به دست آورد زیرا شوادنادزه هم سیاستمدار کارکشته ای به شمار می رفت و هم پس از 15 سال حکومت بر گرجستان با اقتدار بیشتری می توانست اوضاع را کنترل کند و این هم به نوبه خود با منافع آمریکا در تضاد بود.

از سوی دیگر در سال های اخیر بر اثر انقلاب های مخملی و رنگینی که با سرمایه های جرج سروس در کشورهای بلوک شرق پیشین انجام پذیرفته بود روسیه پایگاه های خود را یک به یک از دست داد و این مورد هم با منافع امپریالیستی و جنون آمیز روسیه تضاد داشت.

مهمتر از همه آنکه ناتو و غرب در بحران اخیر قفقاز نشان دادند که دولت تفلیس تا چه اندازه در معادلات خود مبنی بر اعتماد به دوستان غربی اشتباه کرده است زیرا ناتو و آمریکا نه تنها در این بحران در کنار متحد استراتژیک خود(گرجستان) نبودند بلکه حمایت قابل قبولی نیز از دولت اسکاشویلی به عمل نیاوردند. به واقع این قدرت ها (آمریکا و ناتو) تنها به ترغیب ترکیه در حمایت از گرجستان اکتفا نمودند. این درحالیست که خود ترکیه در ثبات گرجستان (به علت عبور خط لوله نفتی از این ناحیه) دارای منافع حیاتی می باشد بگذریم از این مهم که آنکارا از گذشته به صورت سنتی و به عنوان نماینده غرب در منطقه دارای روابط تنگاتنگ و حسنه ای با گرجستان بوده است.

نکته جالب دیگر در این مورد بر هم خوردن معادلات امنیتی ایالات متحده در این منطقه می باشد. زیرا آمریکا با عبور خط لوله انتقال گاز از آسیا به سوی غرب از گذرگاه ایران، همواره مخالفت کرده بود. بهانه آمریکا در مخالفت با عبور خط لوله از مسیر ایران، ناام بود این کشور و مسائل امنیتی و در مقابل امن بودن قفقاز شمالی بود. بنابراین خط لوله باکو-تفلیس-جهان راه اندازی شد ولیکن با آغاز تنش های نظامی میان گرجستان و روسیه این خط لوله نیز آسیب دید و هم اکنون انتقال بخش بزرگی از انرژی از این خط لوله با مشکل روبرو است.

اما آن چه که در این ماجرا و برای ثبت در تاریخ حایز اهمیت می باشد نقش آفرینی روسیه در این ماجرا می باشد. با شعله ور شدن آتش جنگ در قفقاز شمالی برای بسیاری از ایرانیانی که با تاریخ همروزگار ایران آشنایی نسبی دارند و آگاه به شرایط جامعه بزرگ ایرانی می باشند این پرسش پیش آمد که منافع ملی امروز ایران در این "رخداد تلخ" چگونه تعریف می شود؟ براستی درگیری بین اوستیا با گرجستان بسیاری از ما را با سردرگمی روبرو کرد. زیرا از یک سو اوستیایی های با ما دارای پیوندهای تاریخی، فرهنگی و تباری نزدیک می باشند و به زبانی سخن می گویند که یکی از شاخه های زبان فارسی به حساب می آید و از این رهگذر کشور خود را «ایرون یا ایرستان» می نامند و هم گرجستان کشوری است دارای پیوندهای تاریخی ناگسستنی با ایران. بسیاری از دولتمردان و سرشناسان ایران تا دوره قاجاریه با مردم گرجستان (این تیره ایرانی) پیوند زناشویی برقرار می کردند و بسیاری مردم ما نیز برای تحصیل یا کار به این ناحیه سفر می کرده و ماندگار می شدند. این پرسش که پیروزی در این کشمکش باید از آن کدام یک از دو طرف مناقشه باشد و منافع ملت ایران کدام گزینه را ترجیح می دهد همان پرسشی است ذهن بسیاری از ما را به خود مشغول کرد.

برای حل این دوگانگی بایستگی به برگ های تاریخ دو سده ایران بزرگ بازگردیم. صفحاتی که نه برای ما ایرانیان مرکز نشین خوشایند و زرین بود و نه برای سایرین ایرانیان جای جای جامعه بزرگ ایرانی سودمند...

هنگامی که آقامحمد خان قاجار (واپسین حکمران مقتدر ایران بزرگ) در یک شب شوم در شهر «تفلیس» از سوی چند تن از ارتشیان بلند پایه سپاه خود مورد هجوم و ترور قرار

گرفت جمله ی دردناک و پرمعنا را بر زبان راند. وی در واسین ثانیه های حیات خطاب به قاتلان خود گفت: شما آقا محمد خان را نمی کشید، بلکه ایران را می کشید...!

با از این میان برداشته شدن وی _ که با همه بی رحمی ها و جنایت هایی که مرتکب شده بود دارای اقتدار در گرداندن کشور پهناور ایران می بود _ شکست های پی در پی متوجه سپاه ایران گردید که منتهی شد به دو قرارداد ننگین و تحمیلی تاریخ این سرزمین و در نتیجه حاکمیت استعمار روس بر کل ناحیه قفقاز.

در واقع ریشه همه نابسامانی های امروز قفقاز را باید در آن روز ها جست به این معنی که معل بنیادین در حاکمیت غاصبانه روسیه بر این ناحیه از ایران است و آنچه که تا حال در آن جا رخ داده است جز برادرکشی در راستای برآورده شدن مطامع بیگانگان در منطقه نیست.

زیرا جنگ و کشتار میان ارمنستان و آران و نبرد میان گرجی ها و ایرستانی ها (اوست ها) همگی ریشه در تزاریسیم و استعمار روسی و پیامد تیره روزی است که این جوامع پس از جدایی از پیکره سیاسی ملت ایران دچار شده اند.

امروز نیز ایران چه در آسیای میانه و چه در قفقاز و میان رودان دارای منافع حیاتی است که حتی به اعتباری می توان از آن به حقوق مسلم و ذاتی برآمده از پیوندهای تاریخی نام برد.

زیرا سرنوشت میلیون ها شیعه میان رودان و آران را نمی توان از سرنوشت سایر ایرانیان مرکزی جدا تلقی نمود. همانطور که سرنوشت بزرگ ترین و نیرومندترین تیره ی ایرانی در کردستانات را نمی توان به دست چند سیاستمدار به ظاهر کرد ولی دودوزه باز و یا گروهی صهیونیست منفعته طلب و... رها کرد.

اگر ایالات متحده و اسرائیل و حتی آلمان به خود حق می دهند تا در میانرودان نقش ایفا نمایند و اگر کاخ سفید و کرملین نشینان و ترکیه ی تازه از راه رسیده برای خود در آسیای میانه و قفقاز حقی قائل اند، به طریق اولی ایرانی که صاحبخانه این ناحیه می باشد و در گوشه گوشه آن خون سربازان شهیدش در درازای تاریخ ریخته شده است محق ترین طرف

قضیه پس از مردمان خود نواحی می باشد و به یقین اگر مردم این سرزمین ها دمی از تبلیغات شوم استعماری آسودگی بیابند به طور طبیعی در جهت منافع جامعه بزرگ ایرانی (که منافع سرزمین خود آنان نیز است) حرکت خواهند نمود. چرا که هر چند که امروز دیگر عباس میرزا زندگی جسمانی ندارد ولی راه و مکتب وی هنوز ادامه دارد.

پایان.